



بدهیی است که عدم وجود تفسیر مناسب در خصوص ساز و کار مستثنی شدن اعضای هیئت علمی از قانون منع اشتغال کارکنان دولت و سوء استفاده احتمالی مدیران دولتی شاغل در شرکت‌های دانش بنیان، فضای کسب و کار کشور را بی اعتبار و آلوده می‌سازد. انتظار می‌رفت دولت محترم با یک ساز و کار شفاف نسبت به توزیع عادلانه منابع عمومی و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان اقدام نماید و فارغ از رشد کمی شرکت‌ها و ارائه آمار فروش یا صادرات، میزان اثرگذاری واقعی این سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور را متبیین نماید. در شرایطی که کشور به طور جدی با مشکل اشتغال مواجه است، فرصت‌های حمایتی شرکت‌های دانش بنیان باید به شرکت‌های دانش بنیان صنعتی و فارغ‌التحصیلان پارک‌های علم و فناوری تخصیص یابد. قطعاً وقتی جوانان تحصیل کرده جویسای کار با تبعیض‌هایی مواجه می‌شوند، امید خود را به آینده از دست می‌دهند و با چنین روندی اهداف اقتصاد مقاومتی که همان تولید و اشتغال پایدار است، محقق نخواهد شد.

آیا طرح‌های مصوب پژوهشی - مهندسی زنتیک کشاورزی در ستاد توسعه زیست‌فناوری با اهداف اقتصاد مقاومتی همسوست؟

در بسیاری موارد خبر! حمایت‌های پژوهشی ستاد توسعه زیست‌فناوری در شاخه محصولات تغییر یافته ژنتیکی (ترازیخته) باید در راستای یک پژوهش کاربردی صورت پذیرد، یعنی هدف نهایی این است که محصولی را با تکنولوژی پیشرفته روز تولید کنیم که پس از آزمایشات گلخانه‌ای و میدانی، تمام استانداردهای کیفیت، سلامت و زیست محیطی را اخذ کند و با نقضای واقعی و کافی در بازار داخل یا خارج مواجه باشد. مطابق ادعای مجریان، تولید محصولات دستکاری شده ژنتیکی (ترازیخته) مستلزم صرف ۱۳ سال جهت انجام آزمایشات، ارزیابی‌ها و هزینه ۱۲۰ میلیون دلار است. پس لازم بود اولاً؛ به جای تصویب فناوری‌های ۱۰ الی ۱۵ سال قبل، دستاوردهای روز دنیا در اولویت قرار می‌گرفت. ثانیاً؛ به جای کثرت در محصولات ترازیخته، یک گیاه گیرومی انتخاب می‌شد و به صورت اصولی از ابتدا تا انتهای مسیر ارزیابی مخاطرات منطبق بر استانداردهای جهانی و توسط شرکت‌های غیر ذینفع انجام می‌شد. به نظر من مخاطب چنین طرح‌هایی صندوق حمایت از پژوهشگران است، نه ستاد توسعه زیست‌فناوری؛ برای مثال ممکن است برنج، بوجبه، چغندر و سیب‌زمینی دستکاری

کشور ثبت و در سال ۹۵ دانش بنیان شده است ولی سه طرح پیشنهادی این شرکت از مجموع ۱۱ طرح مصوب شرکت‌های دانش بنیان در سال ۹۳ برای حمایت معرفی شده است. به عبارتی در زمان ارائه و تصویب طرح به لحاظ قانونی موجودیت حقوقی و دانش بنیان نداشته است!

از سوی دیگر تضاد منافع آشکاری در عضویت مدیران دولتی در هیئت مدیره برخی شرکت‌های دانش بنیان زیست‌فناوری وجود دارد و ما شاهد هستیم شرکت‌های این مدیران ذینفع، در دریافت حمایت‌های شرکت‌های دانش بنیان، در اولویت قرار گرفته‌اند. اگر چه شاید پوشش قانونی این موضوع رعایت شده باشد، ولی تگاهی به اعضای هیئت مدیره برخی از این شرکت‌ها و مسئولیت‌های دولتی برخی از اعضای هیئت مدیره آنها، لزوم پیگیری این موضوع را جدی می‌نماید. وقتی به آدرس برخی از این شرکت‌ها مراجعه می‌کنید متوجه می‌شوید که بعضاً محل شرکت خصوصی، یک سازمان دولتی است. این مسئله نتیجه ضعف سیستم بازرسی و نظارتی بوده و انتظار می‌رود پیش از رسانه‌ها، نهاد‌های نظارتی چنین خطاهایی را کشف نموده و اعمال قانون نمایند. در واقع مسئولان باید پاسخگو باشند که با چه ساز و کاری این شرکت‌ها دانش بنیان تشخیص داده شده‌اند؟ فرایند تخصیص اعتبارات به این شرکت‌ها چگونه بوده است؟ تا چه اندازه‌ای طرح‌های این شرکت‌ها با اولویت‌ها و نیازهای

د

ما باید با انکاب‌ر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی مشکلات خودمان را با حداقل وابستگی خارجی حل کنیم. ما در جامعه‌ای هستیم که رشد بیکاری، اختلاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت کام هموطنانمان را تلخ نموده است، لذا با توجه به اهمیت رشد اقتصاد دانش بنیان، لزوم بررسی عملکرد چهارساله نهادها، صندوق‌ها و سازمان‌های مرتبط و ارزیابی میزان اثربخشی حمایت‌های انجام شده ضروری به نظر می‌رسد



عکس: جوان‌های فارس

نقد و بررسی کارنامه شرکت‌های دانش بنیان در گفت‌وگو با دکتر عمرانی پژوهشگر کارآفرینی

برخی از اعضای کارگروه و داوران عضو شرکت‌های دانش بنیان هستند

تعدادشان به حدود هزار و ۸۰۰ شرکت می‌رسد- عملاً یک نوع سرمایه‌گذاری خطرپذیر است و ریسک عدم بازگشت تسهیلات اعطا شده و افزایش سوء استفاده از معافیت‌های مالیاتی و گمرکی بسیار بالاست.

چرا شما با ارائه تسهیلات دانش بنیان به شرکت‌های نوپا مخالفید؟

چنین رویکردی مانند این است که وزارت علوم به یک دانشجوی ترم اول، در بدو ورود به دانشگاه مدرک لیسانس بدهد! بنابراین لازم است طی یک فرایند هدفمند، امکانات، بحرین، عمان، مالزی و مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری هدایت شوند و تحت حمایت‌های محدود و مشروط قرار گیرند و پس از طی بازه زمانی یک تا دو ساله شرکت‌های مستعد غربال قرار آورند. نگاه ویژه‌ی محصول و خدمات - یعنی سطح فناوری و ارزش افزوده- است که مشخص می‌کند، این شرکت دانش بنیان است یا خیر! در شرایط فعلی وقتی یک شرکت دانش بنیان نوا تسهیلاتی را در قالب وام کم بهره دریافت می‌کند باید در موعد مقرر محصولش را تولید کند، بفروشد و تسهیلات دریافتی را تسویه کند. حمایت از شرکت‌های دانش بنیان به عنوان یکی از نقاط قوت دولت یازدهم مطرح می‌شود، در حالی که مکانیسم حمایتی بسیاری از شرکت‌های دانش بنیان نوا معیوب است و علاوه بر ریسک بالای عدم بازگشت تسهیلات، در آینده‌ای نه چندان دور به دلیل فقدان ارزشگذاری واقعی این شرکت‌ها و آورده‌های فکری سهامداران، شاهد طرح دعای حقوقی اعضای هیئت مدیره و صاحبان سهام این شرکت‌ها در مراجع قضایی خواهیم بود.

بزه‌بنده اگر «تخصیص بی ضابطه تسهیلات بنگاه‌های زود بازده» را یکی از زمینه‌های ایجاد زانت و رشد نقدینگی در دولت‌های نهم و دهم بدانیم، قطعاً ساز و کار فعلی «ارزیابی و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان» منجر به رشد امتیازات ویژه و اتلاف منابع مالی در دولت فعلی خواهد شد.

ولی طبق آمار وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، صادرات محصولات دانش بنیان از ۵ میلیون دلار در سال ۱۳۹۲ به حدود ۵۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۴ رسیده است. آیا این رشد صادراتی مطلوب نیست؟

این آمار جای بحث دارد و با سایر آمارهای وزارت علوم مغایرت دارد! اولاً؛ در مورد میزان صادرات محصولات دانش بنیان چه در گذشته و چه در حال حاضر باید به آمار رسمی گمرک استناد شود نه اظهار شرکت‌های دانش بنیان. ثانیاً؛ طبق گزارش رسمی تحت عنوان «مقایسه عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۹۴» که توسط همین وزارتخانه منتشر شده است، میزان صادرات دانش بنیان، تنها در پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد در سال ۹۲ معادل ۱۴ میلیون دلار بوده است، نه ۵۰ میلیون دلار!

کند و با حمایت از این شرکت‌ها پیشتاز اقتصاد دانش بنیان منطقه می‌شویم، تصور نادرستی است. برای مثال در سال‌های اخیر برخی از کارشناسان در مورد افزایش بودجه‌های پژوهشی و ارتقای شاخص سهم تحقیق و توسعه بر تولید ناخالص داخلی سخن گفته‌اند. آنها فکر می‌کنند هر چه بودجه مراکز پژوهشی را در راستای توسعه سخت‌افزاری و جذب هیئت علمی افزایش دهیم این شاخص تقویت می‌شود. چنین سیاستی نمی‌تواند یک رشد پایدار را در این شاخص مهم ایجاد کند، زیرا اگر ساز و کار اقتصاد دانش بنیان به صورت واقعی پیاده شود، این شرکت‌های غیر دولتی هستند که سهم تحقیق و توسعه به تولید را در کشور بالا می‌برند، نه تزریق بودجه عمومی دولت برای پژوهش. در شرایطی است که پایان نامه‌های دانشجویی مطابق با درخواست صنایع و اولویت‌های کشور تحت حمایت سرمایه‌گذاری شرکت‌های دانش بنیان قرار می‌گیرد. یعنی شما معتقدید در اجرای سیاست‌های اقتصاد دانش بنیان موفق نداشته‌ایم؟

هنوز با قطعیت نمی‌توانم بگویم، ولی خوشبین هم نیستم. طبق آمارهای اعلام شده، ابتدای دولت یازدهم ۵۵ شرکت دانش بنیان داشتیم، در حالی که هم اکنون بالغ بر ۳ هزار شرکت دانش بنیان داریم یعنی رشد کمی ۵۵ برابری! هر متخصص مدیریت فناوری که این عدد را ببیند اولین سؤالش این است که چه انقلاب فناوری در این دوره چهارساله اتفاق افتاده که چنین رشد شگرفی را ایجاد کرده است؟ مگر می‌شود فناوری‌های پیشرفته در چنین زمان کوتاهی بار شد ۵۵ برابری به مرحله تجاری‌سازی برسد؟

به هر حال رشد کمی شرکت‌های دانش بنیان دلیلی بر عدم توفیق آن هم نیست.

بله، ولی باید ببینیم خروجی این افزایش کمی و حمایت‌های مالی چه بوده است؟ اگر فرض کنیم مجموع حمایت‌های دولتی در مجموع ۴ هزار میلیارد بوده است، سهم حمایت هر شرکت به طور متوسط ۷۰۰ میلیون تومان خواهد بود. آیا این شرکت‌ها توانسته‌اند پس از گذشت چند سال این حجم بالای تسهیلات را باز پس دهند؟ این شرکت‌ها تا چه میزان اشتغال ایجاد کرده‌اند؟ من با حمایت موافقم ولی نسبت به ساز و کار حمایت انتقاد دارم. در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد شرکت‌های دانش بنیان، شرکت‌های نوپا هستند و تنها ۱۳ درصد این صنعتی هستند! یعنی اکثر آنها شرکت‌هایی هستند که هیچ جایگاهی در جغرافیای اقتصادی و فضای کسب و کار کشور ندارند. برخی از مدیران این شرکت‌ها حتی بسا ابتدایی‌ترین مفاهیم بنگاهداری و اقتصاد خرد بیگانه‌اند! احتمال شکست چنین ساز و کار حمایتی بسیار بالاست، زیرا در چنین شرایطی ارائه تسهیلات به شرکت‌های دانش بنیان نوا- که

از معتبرترین رفرس‌های بین‌المللی دانشگاه‌های زمینه‌مدیریت و بازاریابی فناوری‌های پیشرفته که در سال ۲۰۱۵ توسط یک ناشر معتبر امریکایی چاپ شده، مشارکت داشته است. به سراغ این پژوهشگر رفته‌ایم تا کارنامه شرکت‌های دانش بنیان را در گفت‌وگو با وی مورد بررسی قرار بدهیم و ببینیم آیا دستاوردهای شرکت‌های دانش بنیان بار شد کمی آنها متناسب است و اگر نیست دلیل این توقف در رشد کمی بدون دستیابی به خروجی قابل توجه چیست.

جناب آقای دکتر! لطفاً برای شروع بحث تعریفی از مفهوم «شرکت دانش بنیان» بفرمایید.

شرکت دانش بنیان یک نگاه اقتصادی است که بخش اعظمی از سرمایه و دارایی‌اش از جنس معارفزار و نامشهود است. برای توانمندسازی شرکت‌های دانش بنیان به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و سرمایه‌انسانی با کیفیت و چالاک‌تر می‌رود که بتوانند در مدت زمان کوتاهی مهارت تخصصی یک فناوری را کسب کنند. بنابراین اگر می‌خواهیم در اقتصاد دانش بنیان پیشتاز باشیم لازم است هم‌زمان ساختار آموزش و پرورش و نظام آموزشی کشور اصلاح گام‌های مؤثری داشته باشد. یعنی، ذهنی، فرهنگی و جسارت لازم برای ورود به فضای کسب و کار و ایجاد شرکت‌های دانش بنیان را داشته باشند. در سایه چنین سرمایه‌گذاری طولانی مدتی خواهیم توانست در صنایع که مزیت نسبی دارند و قله فناوری و اقتصاد دانش بنیان قرار بگیریم مانند صنعت نفت، پتروشیمی، کشاورزی، نظامی و...

آیا می‌توانید مثالی در این زمینه بیاورید؟

بله، موارد فراوانی وجود دارد. برای مثال کشور سوئیس توانسته است با چنین رویکردی، بخش اعظمی از ظرفیت‌های دانشگاهی و علوم پیشرفته نظیر زیست فناوری، نانوتکنولوژی و سامانه‌های هوشمند را در راستای فرمولاسیون مواد غذایی و ساخت ماشین‌آلات مربوطه بسیج کند و در صنایع غذایی دنیا پیشتازی نماید. این نمونه یک اقتصاد دانش بنیان است که فعالیت چندین شرکت بنیان در یک محصول یا خدمت تخصصی تجلی می‌یابد و ارزش افزوده بالایی را ایجاد می‌کند. در محصول دانش بنیان، این تکنولوژی است که پشتوانه اصلی برند یا نشان تجاری است، نه سبزه بنگاه اقتصادی و حجم تبلیغات!

آیا در ایران هم شرایط مشابهی پیاده‌سازی شده است؟

بله، ولی تعدادشان خیلی کم است. متأسفانه در شرایط حاضر «دانش بنیان» یک عبارت «شیر، گاو، پلنگ» است که با تعریفان و کار درک‌دهایی فاصله زیادی دارد. محصول دانش بنیان باید ایده خلاقانه توأم با فناوری پیچیده یا پیشرفته داشته باشد و مهم‌تر اینکه ارزش افزوده بالایی ایجاد کند. این ارزش افزوده در شرایط عادی بین ۱۰۰ الی ۵۰۰ درصد متغیر است و در مواردی به ۱۰۰۰ درصد هم می‌رسد! یعنی در سایه این ارزش افزوده بالا، دیگر نیازی به ارائه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی طولی مدت به شرکت‌های دانش بنیان نیست! به عبارتی دیگر دولت باید با ایجاد ساختار مناسب، ظهور و رشد شرکت‌های دانش بنیان را تسهیل کند و بستری فراهم آورد تا در آینده‌ای نزدیک این شرکت‌ها به مؤدیان مالیاتی مولد و خوش حساب تبدیل شوند. چنین اقتصادی می‌تواند در میانه مدت از حالت تک محصولی خارج شود و تولید ناخالص داخلی را تقویت کند.

از سوی دیگر اولویت‌های کشور، مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و ارتباط مؤثر با نیازهای صنایع کشور باید در سیاستگذاری‌های کلان لحاظ شود، زیرا موتور محرک شرکت‌های دانش بنیان، ایده‌ها و تقاضاهایی است که از صنعت یا بازار به این شرکت‌ها القا می‌شود. اینکه تصور کنیم عده‌ای از اعضای هیئت علمی دانشگاه یا فارغ‌التحصیلان علوم پیشرفته بیایند شرکتی تأسیس

د

بزه‌بنده اگر «تخصیص بی ضابطه تسهیلات بنگاه‌های زود بازده» را یکی از زمینه‌های ایجاد زانت و رشد نقدینگی در دولت‌های نهم و دهم بدانیم، قطعاً ساز و کار فعلی «ارزیابی و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان» منجر به رشد امتیازات ویژه و اتلاف منابع مالی در دولت فعلی خواهد شد



شده ژنتیکی (ترازیخته) که تولید آنها به عنوان طرح پژوهشی تصویب شده، در نتیجه ارزیابی‌های سلامتی یا زیست محیطی مردود شوند و نتوانند وارد چرخه تجاری‌سازی شوند! اعتبارات دولتی شرکت‌های دانش بنیان محل سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر (Venture Capital) نیست و باید بنگاه‌ها و شرکت‌های غیر دولتی، ریسک سرمایه‌گذاری چنین پروژه‌هایی را بپذیرند. متأسفانه در حوزه زیست‌فناوری و مهندسی ژنتیک شاهد آن هستیم که عملاً از طرح‌های برخطاربه اقتصادی حمایت شده که خروجی آن معلوم و ملموس نیست.

نکته دیگر عدم توجه به رویکردهای زیست محیطی در طرح‌های زیست‌فناوری است. برای مثال وقتی ستاد توسعه زیست‌فناوری «تولید برنج با رنگه متحمل به علف‌کش گل‌آغوست» را تصویب می‌کند، باید این نکته را لحاظ کند که محیط‌زیست و مخاطرات سلامتی همراه است، مضافاً بر اینکه وابستگی ما به علف‌کش‌های وارداتی و افزایش می‌دهد. انتقال یک ژن مصنوعی وارداتی به گیاهان بومی و وابستگی به علف‌کش وارداتی - که مالکیت فکری آن به طور غیرمستقیم به یک کمپانی امریکایی بازمی‌گردد - با اهداف اقتصاد مقاومتی همخوانی ندارد.

موارد مطرح شده انتقاد به مدیریت زیست‌فناوری در کشور است و با ادامه این شیوه مدیریت، ما به جایگاه مورد انتظار اقتصاد دانش بنیان خواهیم رسید، زیرا اقتصاد دانش بنیان باید در روزن و برون نگر باشد. ما باید بسا اتکا بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی مشکلات خودمان را با حداقل وابستگی خارجی حل کنیم. ما در جامعه‌ای هستیم که رشد بیکاری، اختلاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت کام هموطنانمان را تلخ نموده است، لذا با توجه به اهمیت رشد اقتصاد دانش بنیان، لزوم بررسی عملکرد چهارساله نهادها، صندوق‌ها و سازمان‌های مرتبط و ارزیابی میزان اثربخشی حمایت‌های انجام شده ضروری به نظر می‌رسد.

در شرکت‌های دانش بنیان چیست؟